

برای مشاهده سایر

مطالب کلیک کنید

مربوط به حضرت زینب علیها السلام

زندگی و صفات حضرت زینب (سلام الله علیها)

سال پنجم هجری در سکوت جاری لحظه‌ها، غنچه‌ای رو به آسمان عشق می‌شکفت و خانه کوچک و گلین باغبان عشق را سرشار از عطر خویش می‌سازد. بوی گل یاس، دوباره در کوچه‌های مدینه می‌پیچد و دل‌های عاشق به وجد می‌آورد؛ طوبای رسالت دوباره به بار می‌نشیند و ستاره ای دیگر بر خانه وحی فرود می‌آید. لبخند بر لبان علی (علیه السلام) و زهرا (سلام الله علیها) شکوفامی گردد. (نام او زینب است)؛ این صدای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بود که در فضای عطرآگین خانه علی (علیه السلام) پیچید و تشنگان را سیراب کرد. پیامبر وحی چه زیبا بر او نام نهاد، زینب، یعنی زینت پدر؛ زینتی برای علی (علیه السلام) که خود آینه تمام نمای زیبایی‌هاست.

زینب کبری (علیها السلام) پرورش یافته خاندان طهارت و دختر علی (علیه السلام) است. زینب در فصاحت، بلاغت، پارسایی و عبادت، همانند پدرش علی (علیه السلام) و مادرش فاطمه (سلام الله علیها) است. تهجد و شب زنده داری زینب (علیها السلام) در تمام مدت عمرش، حتی در شب یازدهم محرم ترک نشد.

برتری‌های زینب (علیها السلام) و ویژگی‌های پسندیده اش، علم و عملش، عصمت و عفتش، و نیز نورانیت و شرف و زیبایی اش، هم چون مادرش زهراست.

رسالت حضرت زینب (سلام الله علیها) در اسارت (از کربلا تا شام)

حضرت زینب (سلام الله علیها) در دوران اسارت، قافله سالار کاروان اسرا بود و زیر نظر ولایت امام سجاد (علیه السلام) اهداف اسارت را دنبال کرد. در حقیقت، اگر زینب (سلام الله علیها) نبود، نتایج متعالی از اسارت به دست نمی آمد.

امام حسین (علیه السلام) برای احیای اسلام و تشیع قیام کرد. براساس گواهی تاریخ، پس از شهادت ایشان، طولی نکشید که ریشه بنی امیه خشکید و اسلام عزیز باقی ماند. از این جهت، تردیدی وجود ندارد که بقای اسلام و احیای تشیع مرهون شهادت امام حسین (علیه السلام) است. اما باید توجه داشت که پس از شهادت امام حسین (علیه السلام)، نوبت به امام سجاد (علیه السلام)، حضرت زینب (سلام الله علیها) و اهل بیت امام رسید که با اسارت خود، موج شهادت و وقایع جانسوز کربلا را سراسری کنند.

در واقع، اگر قضیه اسارت رخ نمی داد، موج کربلا در جهان منتشر نمی شد. پس از اسارت نیز موج شهادت، با عزاداری عالم گیر شد. در واقع، حرکت حسینی، ابتدا با اسارت و سپس با عزاداری شیعیان، جاودان و سراسری شد و همیشه باقی خواهد ماند. از این رو می توان گفت: شهادت، اسارت و عزاداری در یک راستا قرارداشت. مطلب پیش رو به نقش مهم و محوری حضرت زینب (سلام الله علیها) در جریان اسارت و حقی که آن بانوی نمونه به تشیع دارد، اشاره خواهد کرد.

حضرت زینب (سلام الله علیها)، قافله سالار اسرای کربلا

حضرت زینب (سلام الله علیها) با تلاش و فداکاری فراوان، سفر اسارت را بسیار خوب اداره کرد و به ثمر رسانید. از این جهت، تشیع، مرهون زحمات آن بانوی بزرگوار است.

البته در این میان نباید از نقش اساسی امام سجاد (سلام الله علیه) در بقای تشیع غافل ماند؛ چراکه آن حضرت در مدت سی و چهار سال بعد از شهادت امام حسین (سلام الله علیه)، برای احیا و پرورش حرکت حسینی تلاش کرد و در آن دوران، تشیع را در بین مردم جا انداخت و باعث شد که شجره طیبه قرآن، به بار نشیند. اما در روز عاشورا مصلحت تشیع در بیماری امام سجاد (سلام الله علیه) بود؛ زیرا بیماری، مانع شهادت ایشان و عامل باقی ماندن امامت شد.

اما اگر زینب نبود، نتایج متعالی اسارت به دست نمی آمد و اهداف اصلی قیام امام حسین (سلام الله علیه) محقق نمی گردید..

شایستگی حضرت زینب (سلام الله علیها) برای به ثمر رساندن قیام عاشورا

قافله سالاری کاروان اهل بیت (سلام الله علیهم) و به ثمر رساندن خون شهدای مظلوم کربلا، لیاقت خاص می طلبید که حضرت زینب (سلام الله علیها) از آن برخوردار بود. در حقیقت، حضرت زینب برای پیروزی در وظیفه خطیر و عظیمی که بر عهده داشت و نیز برای نتیجه گیری از شهادت و اسارت، نیازمند برخورداری از فضائل نیکو و صفات حسنه اخلاقی بود.

قافله سالار اسرای کربلا باید به صفاتی همچون صبر، گذشت، وفا، اخلاص، ایثار و از جمله شجاعت، متصف باشد و زینب مظلومه چنین بود. ایشان، قضیه کربلا و وظایف خویش را در دوران طفولیت، از مادر گرمی خویش حضرت زهرا (سلام الله علیها) آموخته بود.

طبق آنچه در برخی مقاتل آمده است، حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) پیراهنی که با دست مبارک خود، رشته و بافته و دوخته بودند، به زینب دادند که وقت وداع، به برادر بدهد و از طرف مادر، زیر گلوی او را نیز ببوسد. امیرالمؤمنین (سلام‌الله‌علیه) نیز دختر خویش را از واقعه کربلا آگاه ساخته بودند از این رو؛ حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) از کودکی برای این حرکت سرنوشت ساز تربیت شد و برای سربلندی در این میدان، آماده شده بود و با اطلاع قبلی و با بصیرت کامل به کربلا آمده، خالصانه برادر خویش را همراهی نمود.

شرح فضائل اخلاقی حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و کاربرد آن فضائل در ثمر بخشی اهداف اباعبدالله مفصل است که به برخی از صفات نیکوی آن بانوی فداکار اشاره می‌شود و تفصیل بحث را به فرصت دیگری واگذار می‌کنیم.

تبلور مراتب شجاعت در شخصیت حضرت زینب "سلام‌الله‌علیها"

شجاعت، سه مرتبه یا سه معنا دارد؛ مرتبه اول شجاعت، نترسیدن از دیگران به خصوص از افراد زورگو و قدرتمند. مرتبه دوم شجاعت که بالا تر از معنای اول است، تسلط بر هوا و هوس و نفس امّاره است. اما بالا تر از این دو مرتبه، معنای سوم شجاعت است؛ و آن، این که انسان در جزر و مدّ روزگار خود را نبازد. حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) از هر سه مرتبه شجاعت، در حدّ اعلای آن برخوردار بود. این درس بزرگی است که تمامی انسان‌های روزگاره به خصوص جوانان به تعلیم و عمل بدان نیازمند هستند؛ زیرا موفقیت در مراحل مختلف زندگی به چنین خصلتی وابسته است و گرنه در زندگی بازنده خواهند شد.

عزت و اقتدار حضرت زینب "سلام‌الله‌علیها"

مرتبه اول شجاعت، به خوبی در شخصیت حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) ظهور و بروز داشت؛ به گونه ای که در دوران اسارت و پس از آن، هیچ گاه از افراد زورگویی چون ابن زیاد و حتی یزید نترسید و در برابر سخنان ناحق و بی منطق آنان با عزت و اقتدار تمام و با قاطعیت ایستادگی کرد.

در مجلس ابن زیاد، وقتی اسرا وارد مجلس شدند، حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در گوشه ای از قصر نشستند که در دید نامحرم نباشند. ابن زیاد رو به سوی ایشان کرد و گفت: دیدی خدا با شما چه کرد؟ حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) برخاست و با پاسخی کوبنده فرمود:

مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً هُوَ لَاءِ قَوْمٍ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَ سَيَجْمَعُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَتَحَاجُّ وَ تَخَاصِمُ فَأَنْظِرْ لِمَنْ الْفُلْجُ يَوْمَئِذٍ ثَكَلْتِكَ أُمَّكَ يَا ابْنَ مَرْجَانَةَ (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶)

تو نمی فهمی! ما در این مسافرت، چیزی جز خوبی ندیدیم. اگر شهادت بردارم و اسارت ما و صحنه‌های توهین آمیز توست، به جز خوبی چیزی نیست، زیرا شهادت و اسارت، سرنوشت ما بود و ریشه‌ی شما را خواهد سوزاند. تشییع برای همیشه احیاء خواهد شد، اما تو به زودی خواهی مرد. پس، منتظر باش ببین چه کسی رسوا می‌شود؟ مادرت به عزایت بنشیند!

ابن زیاد از این کلمات شجاعانه حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) به اندازه ای عصبانی شد که دستور قتل حضرت زینب را داد، اما مشیت الهی اقتضا نکرد و نیت شوم او عملی نگردید.

در مجلس یزید هم حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) با شجاعت تمام، خطبه بسیار کوبنده ای خواند. آن جلسه به عنوان جشن پیروزی ترتیب داده شده بود، اما سخنان قاطع حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و امام سجاد (سلام‌الله‌علیه) یزید را رسوا کرد و پیروزی ظاهری او را به شکستی مفتضحانه مبدل ساخت.

حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در مجلس یزید، ابتدای سخنان خود رابه حمد الهی اختصاص داد، آن گاه خطاب به یزید فرمود: تو فکر می‌کنی که خداوند ما را ذلیل و تو را عزیز کرده است؟ هرگز چنین نیست؛ زیرا خدا به تو مهلت داده است که هرچه می‌خواهی ظلم کنی تا عذاب خود را زیاد کنی. پس، صبر کن و عاقبت خود را ببین. سپس آیه شریفه (وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنََّّمَا نُمَلِّ لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ، و البته نباید کسانی که کافر شده اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند و [آنگاه] عذابی خفت آور خواهند داشت) را [۱۷۸/آل عمران] قرائت کرد .

در بخش دیگری از خطبه نیز فرمود: ای یزید! تو دشمن پیامبری. تو و کسانی که تو را بر حکومت نشانند، به زودی خواهید فهمید که ظالمان چه جایگاه بدی دارند. هرچند مجبورم با تو سخن بگویم، اما تو در نزد من خوار و کوچکی! (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۴)

رسوایی و ترس یزید، در اثر قاطعیت حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و امام سجاد (سلام‌الله‌علیه)

خطبه‌های کوبنده و رفتار شجاعانه و همراه با قاطعیت حضرت زینب و امام سجّاد (سلام‌الله‌علیهما) در شام، چنان تأثیرگذار بود که بنی امیه را رسوا و افتضاح کرد. حتی یزید که در ابتدا ادعای فراوانی در حقانیت خود داشت، در نهایت و پس از آنکه رسوایی او آشکار شد، به ظاهر اظهار پشیمانی کرد و همه تقصیرها را به گردن ابن زیاد انداخت. سپس، بر خلاف توصیه برخی اطرافیان، نه تنها اسیران را نکشت، بلکه دستور داد آنان را به همراه تعدادی محافظ به مدینه ببرند و مراعات حالشان را بکنند؛ زیرا فهمید که بیش از این نباید بی آبرو گردد. هنگام عزیمت کاروان نیز به امام سجّاد (سلام‌الله‌علیه) گفت: خدا لعنت کند پسر مرجانه را، اگر من با پدرت روبرو شده بودم، نمی گذاشتم او را بکشند. سپس گفت: وقتی به مدینه رسیدی، هر درخواستی داشتی، نامه بنویس تا اجابت کنم. (الارشاد للمفید، ج ۲، ص ۱۲۲)

حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، مظهر وظیفه شناسی

برخورداری از شجاعت، حتی در مرتبه اول آن، این توان را به انسان می‌دهد که پس از تشخیص وظیفه، به آن عمل نماید و هراسی از موانع انجام وظیفه نداشته باشد. حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) چنین بود؛ یعنی شناخت وظیفه و عمل بدان در سیره ایشان، به خصوص در مدت اسارت به خوبی مشهود بود. به عنوان مثال، وقتی وظیفه ایشان اقتضا می‌کرد که سخنرانی کند و با خطبه خواندن، به افشاگری بنی امیه بپردازد، به خوبی به وظیفه خود عمل می‌کرد و از هیچ کس ترس و واهمه نداشت.

خطبه‌های حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در بازار کوفه، مجلس ابن زیاد، بازار شام و مجلس یزید بسیار عالی و کوبنده بود که تاریخ افتخار ثبت آن هارا دارد. ایشان چنان خطبه می‌خواند که به تعبیر راوی، گویا امیرالمؤمنین (سلام‌الله‌علیه) خطبه می‌خواند. با شروع خطبه ایشان، همه ناگهان ساکت می‌شدند و سخنان آن بانوی بزرگوار را می‌شنیدند. (اللهورف/ص ۱۴۶)

حتی در همان روزهای اول اسارت، در کوفه، نزدیک بود مردم با اطلاع از حقایق و با افشاگری حضرت زینب، علیه بنی امیه قیام کنند، اما چون شورش آنان در آن موقعیت، منجر به سرکوب می‌شد و نتیجه مطلوب، یعنی انتشار سراسری موج کربلا را در بر نداشت، امام سجّاد (سلام‌الله‌علیه) مانع آن شدند و فرمودند: يَا عَمَّةُ اسْكُتِي... أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ (الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۵).

تقوای حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)

مرتبه دوم شجاعت، یعنی غلبه بر هوای نفس نیز در شخصیت حضرت زینب (سلام الله علیها) تجلی بارزی داشت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: شجاع ترین مردم کسی است که متقی باشد.

"اشجع الناس من غلب هوا" امالی صدوق، ص ۲۱.

به تعبیر آن نبی گرامی، شجاع ترین مردم کسی است که بر نفس خود مسلط باشد؛ به همه واجبات مخصوصاً به نماز اهمیت دهد و در عمل به مستحبات به خصوص نماز شب، انس با قرآن و خدمت به خلق خدا کوشا باشد و از گناهان و حتی مکروهات اجتناب ورزد. چنین کسی با مداومت بر عبادت، به مقام عبودیت نائل خواهد شد.

حضرت زینب (سلام الله علیها) به مقام عبودیت رسیده بود و چنان در آن مقام پیش رفته بود که امام حسین (سلام الله علیه) هنگام خداحافظی، از او خواستند که در نماز شب های خود، به آن حضرت دعا کند. حضرت زینب (سلام الله علیها)، با ریاضت های دینی به مقام عبودیت رسیده بود و در آن مقام، از نماز لذت می برد؛ زیرا بهترین لذت در مقام عبودیت، نماز، به خصوص نماز شب است. به تعبیر قرآن، نماز شب انسان را به مقام محمود می رساند؛ (اسرا/۷۹)

مقامی که حضرت زینب (سلام الله علیها) از آن برخوردار بود.

اهتمام حضرت زینب (سلام الله علیها) به نماز شب

نماز شب حضرت زینب (سلام الله علیها) هیچ گاه، حتی در این مسافرت و در شام عاشورا، ترک نشد. آن شب، برای حضرت زینب (سلام الله علیها) شب سختی بود؛ علاوه بر مصیبت از دست دادن شش برادر، دچار لشکری درنده خو بود و سرپرستی عیال و اهل حرم را نیز بر عهده داشت؛ با این حال بعد از نماز مغرب و عشا، به کمک ام کلثوم خیمه نیم سوخته ای را علم کرد، امام سجاد (سلام الله علیه) را در آن خیمه آورد و به دنبال جمع کردن بچه ها به بیابان رفت؛ بالاخره تا نیمه های شب، همه زنان و کودکان را جمع کرد و سپس کسی را فرستاد تا مشک آبی گرفت و بچه ها را سیراب کرد. وقتی از سر و سامان دادن امور کودکان و زنان فارغ شد، نزد امام سجاد (سلام الله علیه) آمد و نشست، نماز شب خواند. امام سجاد (سلام الله علیه) که از شدت بیماری قادر به نشستن نبود، خوابیده نماز شب می خواندن، پس از نماز، به حضرت زینب (سلام الله علیها) فرمود: عمه جان! ندیده بودم که نماز شب را نشسته بخوانید!

همه این وقایع برای ما پیام دارد؛ امام سجاد (سلام الله علیه) از نماز شب عمه خود در آن شرایط بحرانی تعجب نکرد، بلکه فرمود: چرا نماز شب را نشسته خواندید؟ حضرت زینب (سلام الله علیها) نیز پاسخ داد:

می‌خواستیم بایستیم، اما زانو‌هایم تاب و توان ایستادن نداشت. دو شب پس از عاشورا کاروان اسرا در نیمه‌های شب، به پشت دروازه کوفه رسید. طبق برنامه قبلی، آن‌ها را نگه داشتند تا فردا با حضور مردم و هم‌زمان با جشن پیروزی، وارد کوفه شوند. زینب مظلومه (سلام‌الله‌علیها) در آن موقعیت و در پشت دروازه کوفه نیز نماز شب خواند. در خرابه شام و در طول مسیر مسافرت هم نماز شب حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) ترک نگردید.

امنیت دل و آرامش درونی حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)

انسان در سایه تقوا، به امنیت دل و آرامش درونی دست می‌یابد. قرآن شریف در سوره انعام، با طرح یک سؤال و ارائه پاسخ روشن آن، نکته دقیقی را به بشریت می‌آموزد. ابتدا می‌پرسد: چه کسی استحقاق دارد که امنیت دل پیدا کند؟ سپس پاسخ می‌دهد: کسی که ایمان را زیربنا و تقوا را روبنای ساختمان دین خود قرار دهد. به تعبیر دیگر، کسی که با اعتقاد راسخ، تقید به ظواهر شرع دارد؛ یعنی به انجام واجبات و مستحبات اهمیت می‌دهد و از محرمات و مکروهات اجتناب می‌ورزد، به آرامش درون، امنیت دل و اطمینان قلبی خواهد رسید و هدایت الهی نصیب او می‌گردد:

(... فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ، الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ، پس اگر می‌دانید کدام یک از [ما] دو دسته به ایمنی سزاوارتر است، کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه یافتگانند) (انعام، ۸۱ و ۸۲).

حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) از مصادیق این آیه شریفه به شمار می‌رود. ایشان با ایمان قوی و تقوای مثال‌زدنی، مشمول هدایت خاص الهی بود و از این جهت، در آن بحران سخت، پیروز میدان شد.

ضرورت استقامت در جزر و مد روزگار

والا ترین مرتبه از مراتب شجاعت، آن است که انسان در جزر و مد روزگار خود را نبازد و در رویارویی با پیروزی‌های بزرگ یا هنگام رخ دادن مصیبت و بلا و در مواجهه با بحران، شخصیت خود را حفظ کند و صبر و استقامت داشته باشد.

طبق روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)، دنیا مانند دریایی متلاطم و عمیق است، که مخلوقات بسیاری در آن غرق می‌شوند: (الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا خَلْقٌ كَثِيرٌ) (تفسیر الامام عسکری علیه‌السلام، ص ۴۳۱).

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نیز در بیان ویژگی‌های دنیا، آن را خانه‌ای پیچیده شده در بلا و مصیبت توصیف می‌فرماید: (دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ) (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۳).

اساساً خاصیت دنیا این است که روزی طبق مراد و خواسته انسان است و روزی هم بر خلاف میل او خواهد چرخید. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در نامه‌ای به ابن عباس می‌نویسند: (وَاعْلَمُ بِأَنَّ الدَّهْرَ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ) (نهج البلاغه نامه ۳۱).

بنابراین دنیا برای همه جزر و مدّ و بالا و پایین دارد و همه باید طعم سختی و آسانی را بچشند. باید توجه داشت که جزر و مدّ دریای زندگی در بسیاری از موارد، امتحان‌بندگان است؛ زیرا اساساً نوع بشر حتماً امتحان می‌شود: (أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ، وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ، آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد) (عنکبوت، ۲ و ۳).

در این میان، انسان شجاع کسی است که در دریای مواج و متلاطم دنیا، خویشتن را نبازد و خود را حفظ کند؛ اما متأسفانه بسیاری از انسان‌ها چنین نیستند. قرآن کریم، انسان را ناشکیبا و کم‌طاقت توصیف می‌کند و می‌فرماید: هرگاه شر و صدمه‌ای به انسان برسد و در موضع سختی و بلا واقع شود، بی‌تاب می‌گردد و عجز و لابه می‌کند و اگر خیری نصیب او شود و در رفاه باشد، بخل می‌ورزد:

"إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا، إِلَّا الْمُصَلِّينَ، به راستی که انسان سخت‌آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است، چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لابه کند، و چون خیری به او رسد بخل‌ورزد" (معارج ۲۲-۱۹)

نوع انسان سبک‌سر است، یعنی در جزر و مدّ روزگار مثل پر کاه، خود را به حرکت موج‌ها سپرده و به هر سو پرتاب می‌شود؛ مگر کسی که به مقام عبودیت رسیده باشد، مگر کسی که مانند حضرت زینب (سلام الله علیها) از نماز شب مدد گیرد. امتحان الهی برای همه، اعمّ از پیر و جوان و زن و مرد، به شکل‌های گوناگون وجود دارد. اگر انسان در امتحان خود را نبازد و استقامت کند، پیروز می‌شود و می‌توان گفت: اوفردی شجاع است. البته لطف و امداد الهی و هدایت خداوند نیز برای پیروزی در امتحان، لازم است. انسان باید همت و تلاش خود را ضمیمه عنایت پروردگار کند تا موفق گردد.

استقامت حضرت زینب (سلام الله علیها)

حضرت زینب (سلام الله علیها) از مرتبه سوم شجاعت نیز به خوبی برخوردار بود. به خصوص در دوره اسارت که برای ایشان یک دریای پر تلاطم و موج بود، به اعتراف دوست و دشمن، از عهده وظیفه و مسئولیت خود برآمد و هجوم مصائب و بلاها او را منزوی و منفعل نکرد. مثلاً در شام عاشورا پس از دیدن داغ شش برادر و دو فرزند و تحمل مصائب فراوان، وظیفه حضرت زینب (سلام الله علیها) آن بود که گریه نکند و با صلابت و استواری، زنان و کودکان را که در بیابان متفرق شده بودند، جمع کند و از آنان محافظت نماید.

ایشان در آن شرایط سخت و حتی با مشاهده صحنه ای که در آن دوتن از بچه‌ها دست به گردن یکدیگر، از فرط تشنگی از دنیا رفته بودند، مانند یک شیرمرد به خوبی ایفای نقش نمود. خطبه‌های حضرت زینب (سلام الله علیها) و سخنرانی افشاگرانه ایشان در کوفه و شام، در حالی که چند روز از عاشورا نمی گذشت، ناشی از استقامت و استواری آن حضرت بود.

حیا، عفت و غیرت حضرت زینب (سلام الله علیها)

آنچه به خصوص در زمان حاضر توجه جدی می‌طلبد، این است که خاندان وحی، از ابتدای مسافرت تا رسیدن به کربلا و پس از آن در دوران اسارت، هیچ گاه در حفظ حجاب خود کوتاهی نکردند و همواره پوشش مورد نظر اسلام را مراعات نمودند. آنان در رعایت حیا نیز بسیار کوشا بودند و حتی در شرایط بحرانی اجازه ندادند، نامحرم به آن‌ها خیره شود و خود نیز باحیا و با وقار بودند. زینب (سلام الله علیها) در این زمینه نیز قافله سالار بود و همواره با غیرت خاصی از حجاب، حیا و عفت زنان کاروان مراقبت می‌کرد. در مجلس یزید که قبلاً به برخی خصوصیات آن اشاره شد، وقتی حضرت زینب (سلام الله علیها) احساس کرد که زنان و دختران اهل بیت در معرض دید افراد نامحرم قرار دارند، با تندی فرمود:

"أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطَّلَقِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِرِكَ وَإِمَاءَكَ وَ سَوْفَكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا قَدْ هَتَكَتِ سُتُورَهُنَّ وَ أُبْدَيْتِ وَجُوهَهُنَّ تَحْدُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ" (الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۸)

ای فرزند رهاشدگان [اشاره به فتح مکه و بخشیده شدن ابوسفیان و معاویه توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم]، آیا این از عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را در امنیت و پشت پرده بنشانی و دختران پیامبر خدا را در بند اسارت و در برابر دید دشمنان، در این شهر و آن شهر بگردانی؟

در روز یازدهم محرم، وقتی افراد لشکر دشمن برای سوار کردن زنان و کودکان و بردن آنها به کوفه آمدند، حضرت زینب (سلام الله علیها) به آنها تشر زد و اجازه نداد نزدیک زنان و دختران شوند. سپس، گرچه مشقت داشت، اما برای رعایت حیا و عفت، خود ایشان با کمک ام کلثوم، زنان و کودکان را سوار بر مرکب کرد. افزون بر این، برای تحریک عواطف و بیدار شدن کوفیان، نحوه قرار گرفتن آنها در مرکب را طوری طراحی و برنامه ریزی نمود که هر کودک یتیم در دامن یکی از زنان بنشیند.

حضرت زینب (سلام الله علیها)، سرمشق زندگی

نتیجه عملی و اخلاقی بحث اینکه همه باید با مطالعه سیره اهل بیت (سلام الله علیهم) آن بزرگواران را سرمشق خود قرار دهند.

نهضت امام حسین (سلام الله علیه) درس‌های اخلاقی فراوانی دارد و شیعیان باید علاوه بر عزاداری، به نکات درس آموز نهضت حسینی توجه و عمل نمایند. عاشورا، فضائلی همچون، صبر، ایثار، شجاعت و شهادت طلبی را به بشریت می‌آموزد. به خصوص دقت در سیره امام حسین (سلام الله علیه) و حضرت زینب (سلام الله علیها) و پیروی از آن بزرگواران سازندگی اخلاقی و معنوی دارد و راه انسان را در سلوک معنوی هموار می‌سازد.

امام حسین (سلام الله علیه) به خاطر دین خدا، از همه چیز خود، حتی بچه شیرخوار گذشت، جوانان عزیز باید با الگوگیری از ایشان، به خاطر دین خدا، دست کم از هوی و هوس خود بگذرند و گناه نکنند؛ از دروغ، غیبت، تهمت و شایعه پرهیزند و با اجتناب از حق الناس و آزار و اذیت مردم، به واجبات مخصوصاً نماز اهمیت بدهند و در خدمت به خلق خدا کوشا باشند.

همه باید حضرت زینب (سلام الله علیها) را سرمشق خود قرار دهند و با رعایت تقوا و مداومت بر عبادت، به مقام عبودیت برسند. اهتمام حضرت زینب به نماز شب، باید الگوی جوانان باشد تا موفق شوند.

شجاعت شگفت آور حضرت زینب (سلام الله علیها) باید در زندگی شیعیان جاری گردد و همه در شناخت وظیفه و عمل به آن از همدیگر سبقت بگیرند.